

بازار سهام

۱+۵۰ نکته

# یک میلیون تومانی

روایت‌هایی تجربی درباره معامله‌گران بازار سرمایه

همایون دارابی



انتشارات  
دنیای اقتصاد

مقدمه	۷
نکته اول: بازار را نمی‌توان شکست دارد	۹
نکته دوم: پول از یک مسیر ایجاد می‌شود و تنوع برای حفظ آن است	۱۱
نکته سوم: میانگین‌گیری سهام را فراموش کنید	۱۳
نکته چهارم: با سودهای خود مهربان و با زیان‌ها نامهربان باشید	۱۵
نکته پنجم: اگر سهام باعث بی‌خوابی شما می‌شود، جایی اشتباه کرده‌اید	۱۷
نکته ششم: اگر سهمی را در این قیمت‌ها نمی‌خرید بفروشید	۱۹
نکته هفتم: انتخاب سهام ساعت‌ها وقت می‌برد، اما سفارش خرید پایان کار نیست	۲۱
نکته هشتم: بازار صعودی، نگران‌کننده است	۲۳
نکته نهم: بازارهای خرسی، امید را می‌کشند	۲۵
نکته دهم: حواستان به ساعت بازار باشد	۲۷
نکته یازدهم: مراقب ستون‌های بازار باشید	۲۹
نکته دوازدهم: «روند» دوست شماست	۳۱
نکته سیزدهم: به الاکلنگ نرخ سود و شاخص توجه کنید	۳۳
نکته چهاردهم: قانون بیستم	۳۷
نکته پانزدهم: جزر و مد، همه کشتی‌ها را بالا و پایین می‌کند؟	۳۹
نکته شانزدهم: گام‌های تصادفی بازار	۴۳
نکته هفدهم: بازار کارآمد است؟	۴۷
نکته هجدهم: به نصیحت فقرا عمل نکن	۴۹
نکته نوزدهم: پرتفوی خوب به معامله زیادی نیاز ندارد	۵۱
نکته بیستم: زیان کاغذی، زیان نیست	۵۳
نکته بیست‌ویکم: P/E برای یک سهم است نه بازار	۵۵
نکته بیست‌ودوم: هیچ درختی در آسمان رشد نمی‌کند	۵۷

نکته بیست و سوم: سهام همه زندگی نیست	۵۹
نکته بیست و چهارم: هیچ گاه بر اساس وام خرید نکنید	۶۱
نکته بیست و پنجم: صندوق‌ها نسبت به سهام منفرد ریسک کمتری دارند	۶۳
نکته بیست و ششم: بازار از تردید در کلیت خود بیزار است	۶۵
نکته بیست و هفتم: وقتی پولی به دست می‌آورید، سرمایه‌گذاری کنید	۶۷
نکته بیست و هشتم: فقط زیان کردن ضرر نیست	۶۹
نکته بیست و نهم: یک روند، همواره نمی‌تواند ادامه یابد	۷۱
نکته سی‌ام: واکنش بازار به خبر مهم‌تر از خود خبر است	۷۳
نکته سی‌ویکم: بیش از حد متنوع نباش	۷۵
نکته سی‌ودوم: همه بازار را بخرید و تعصب نداشته باشید	۷۷
نکته سی‌وسوم: کمی سهام خوب، بهتر از انبوه سهام بد است	۷۹
نکته سی‌وچهارم: یک شرکت خوب الزاما یک سهام خوب نیست	۸۱
نکته سی‌وپنجم: هیچ گاه سهام وابسته نشوید	۸۳
نکته سی‌وششم: هیچ کس نمی‌داند مهمانی کی تمام می‌شود	۸۵
نکته سی‌وهفتم: هیچ گاه سعی نکنید چاقوی در حال افتادن را بگیرید	۸۷
نکته سی‌وهشتم: باز خرید سهام نشانه‌ای خوب است	۸۹
نکته سی‌ونهم: از سهام زیان‌ده پرهیز کنید	۹۱
نکته چهل‌م: مراقب شرکت‌های با نوسان مداوم سود باشید	۹۳
نکته چهل‌ویکم: پرتفوی خود را در میان بزرگان قرار دهید	۹۵
نکته چهل‌ودوم: سوار آسانسورهای بازار شوید	۹۷
نکته چهل‌وسوم: در بی‌ثباتی بخر، در آرامش بفروش	۹۹
نکته چهل‌وچهارم: در هنگام اعتبار گرفتن، حد ضرر را مدنظر داشته باشید	۱۰۱
نکته چهل‌وپنجم: با بزرگان وارد نزاع نشوید	۱۰۵
نکته چهل‌وششم: روی شایعه بخرید، باخبر بفروشید	۱۰۷
نکته چهل‌وهفتم: در بازار پایه مثقالی خرید کنید، شاید کیلویی سود کنید	۱۰۹
نکته چهل‌وهشتم: مراقب سفته‌بازی با جلب توجه باشید	۱۱۱
نکته چهل‌ونهم: اگر راه را بلد نیستید رد پاها را دنبال کنید	۱۱۳
نکته پنجاه: از پول هوشمند تبعیت کنید	۱۱۵
نکته پنجاه‌ویکم: اقتصاددانان مسیر کلی را می‌بینند	۱۱۷

## نکته اول

### بازار را نمی‌توان شکست داد

شاید بی‌راه نباشد که بخش عمده‌ای از معامله‌گران و سرمایه‌گذاران بورس را نوادگان کیمیاگران باستان توصیف کرد؛ افرادی که به دنبال کیمیای اعظم یا اکسیر تبدیل فلزات به طلا و ثروتمند شدن ناگهانی بودند. هرچند اکثر این کیمیاگران عملاً به این موضوع فکر نکرده بودند که اگر به کیمیا دست پیدا کنند، آنگاه طلا حکم آهن را می‌یافت، اما این فکر دائمی رسیدن به نقطه آخر ثروت همیشه با افراد است و در این میان کم نیستند افرادی که به دنبال شکست بازار و غلبه بر آن هستند. در واقع هدف نهایی آنها پیروزی در همه معاملات و کسب سود از آنهاست. این امر امکان‌پذیری کمی دارد، هرچند ممکن است برای یک معامله‌گر با تجربه و البته شاید یک معامله‌گر خوش‌شانس، برای مدت طولانی پیروزی‌های متوالی امکان‌پذیر باشد، اما بازار قابل شکست نیست.

### اصل شکست‌ناپذیری بازار، اصل بقای بازار است

اگر کسی بتواند در بازاری برای همیشه سود کند، آنگاه بازار برای همیشه محو خواهد شد، زیرا بازار بر امید معامله‌گران برای برنده شدن نیز استوار است. در واقع در کنار تامین نیازها، بازارهای کالاهای سرمایه‌ای و نقدینگی بازار، جذابیت سفته‌بازی نیز دارند، اما این بدان معنا نیست که نتوان بازدهی بالایی به‌دست آورد. چه در ایران و چه

در بازارهای پیشرفته‌ای نظیر ایالات متحده، شمار قابل ملاحظه‌ای از معامله‌گران را می‌توان یافت که بازدهی بیش از بازار و طولانی‌مدت داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که اصول بازار سرمایه، برای پرهیز از زیان و کسب بازدهی بالا قابل آموختن است، اما هرگز نمی‌توان به صد درصد موفقیت رسید. پس باید همواره منتظر شکست‌هایی نیز بود. بنابراین معامله‌گران به‌جای تمرکز بر یافتن فرمولی برای غلبه بر بازار، باید بر کمبودهای خود غلبه کرده و روش‌های حرکت به‌سوی موفقیت را شناسایی کنند. پس به‌جای هدر دادن منابع خود در دکان افرادی که مدعی ارائه راه‌حل‌های طلایی هستند، باید آموخت و تجربه کسب کرد.

همچنین به یاد داشته باشید بخش عمده‌ای از افراد سودجو در بازار می‌کوشند با فروش «رویه‌های پولدار شدن یک‌شبه» بتوانند نقشی در خالی کردن جیب معامله‌گران و سرمایه‌گذاران زودبازور داشته باشند. بنابراین، هرگاه با پیشنهاد دستیابی به فرمول و روشی برای پیروزی دائمی در معاملات بورس مواجه شدید، بدانید که با یک گوش بد مواجه شده‌اید.

## نکته دوم

### پول از یک مسیر ایجاد می‌شود و تنوع برای حفظ آن است

یک اصل پذیرفته‌شده در علم مالی، اصل تنوع‌بخشی پرتفوی برای کاهش ریسک کسب‌وکار است. اما یک نکته در این میان همواره فراموش می‌شود که احتمالاً پرتفوی متنوع بازدهی کمتری از یک پرتفوی متمرکز دارد. در کسب‌وکار نیز چنین است. به‌عنوان نمونه بیل گیتس، مالک مایکروسافت، و ده‌ها تن دیگر، تنها از یک رشته پول خود را به‌دست آورده‌اند. این امر یک معنا دارد: برای حصول به پول و ثروت، ریسک کردن در یک رشته تخصصی الزامی است، اما پس از حصول به ثروت می‌بایست آن را از طریق تنوع‌بخشی از گزند ریسک دور داشت. از این‌رو، در بازار سهام همواره مترصد فرصت‌های کسب پول باشید. اما پس از به‌دست آوردن آن، از طریق تنوع‌بخشی به پرتفوی و حتی تنوع‌بخشی از طریق سرمایه‌گذاری در دیگر زمینه‌ها، نظیر ذخایر ملک و ارز، پول حاصل‌شده را پایداری بخشیده و آن را حفظ کنید.

بررسی هادری ایالات متحده نیز نشان می‌دهند که تقریباً تمامی ثروتمندان با تمرکز بر یک رشته فعالیت به ثروت خود دست یافته‌اند و بیشتر آنها بنیان‌گذار کسب‌وکار خود بوده‌اند. این مسئله البته با رویکرد عموم مردم متفاوت است که به‌جای ایجاد کسب‌وکار، به دنبال کار کردن برای فرد یا موسسه‌ای هستند که به آنها حقوق داده و مزیت‌های بازنشستگی ایجاد کرده و از حق مرخصی برخوردار هستند.